

رابطه اصل توکل و فرزندآوری

الهام سهرابی^۱

چکیده

فرزندآوری، یکی از مهم ترین زوایای زندگی انسان بوده است و از همین رو خداوند میل و دوستی به فرزند را در ذات خانواده نهادینه کرده و در همه ادیان الهی، انسان را به تبع فطرتش به داشتن فرزند تشویق نموده است. هدف از این پژوهش، رابطه اصل توکل و فرزندآوری است. در دین اسلام نیز، در مبانی آیات قرآن و روایات معصومین (علیه السلام) امر به فرزندآوری داشته و بر محاسن بسیار آن صحه گذاشته و علاوه بر تحسین نفس عمل فرزندآوری، ازدیاد نسل آن را که پایه کمی جامعه را تشکیل می‌دهد؛ موردتوجه قرار داده و در صورت تحقق شرایط خاص آن که با رابطه توکل به خداوند، که در درون خانواده و جامعه است. البته توکل به خداوند نه تنها به دادن جرات، افزایش اعتماد به نفس افراد موثر است، بلکه در کاهش اضطراب و افسردگی روشی کارا می‌باشد. در نتیجه، توکل بر خداوند و امید به رحمت و بخشش او، که این مسئله در فرزندآوری هم بسیار سفارش شده است. بنابراین، اگر کسی با توکل به خداوند، اقدام به فرزندآوری کند، خداوند او را تنها نمی‌گذارد. در این پژوهش روش تحقیق، به صورت توصیفی و تحلیلی و کتابخانه ای گردآوری شده است.

کلیدواژه: رابطه، توکل، فرزندآوری، ازدیاد نسل.

^۱ طلبه سطح دو مرکز غیرحضور قم

مقدمه

دین مبین اسلام باهدف رسیدن کمال و سعادت انسان، در همه ابعاد زندگی انسان با رابطه توکل به خدا آن را یافته و بهترین شیوه و روش مواجهه با هر مسئله ای را در مبانی آیات و روایات بیان نموده است؛ بنابراین بحث فرزند آوری که یکی از مهم ترین ابعاد زندگی انسان است، از سوی دین مبین اسلام موردتوجه قرار گرفته و در جهت مطلوبیت همه جانبه آن برنامه ای کامل و جامع پی ریزی نموده و انسان را در جهت دست یابی به نسل صالح و مطلوب با توکل به او تشویق نموده است. بر همین اساس پژوهش حاضر، در جهت استخراج و تدوین رابطه اصل توکل و فرزندآوری سعی داشته و در منابع دینی و قرآنی آن را محل بحث قرار داده است.

با توجه به اینکه مسئله فرزند آوری و اهتمام به نسل مطابق با ذات و میل انسان است، در آیات و روایات نیز موردتجمید و تحسین قرار گرفته و محاسن بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر برخی روایات نیز به چشم می خورد که از نظر برخی صاحب نظران دلالت بر مذمت فرزند دارد. در پیشینه این پژوهش، کتاب و مقالاتی در ارتباط با این موضوع نگاشته شده است و هرکدام از این پژوهش ها به یک بحث در ارتباط با موضوع پرداخته اند؛ از جمله در مقاله: گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سلامت معنوی در شرق ایران، نگارنده: الهام چارقیان خراسانی، ۱۴۰۰، هدف از این مقاله، بررسی میزان گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سلامت معنوی در زنان مراجعه کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷ می باشد. در مقاله: رابطه توکل به خداوند و خودکارآمدی با اضطراب در مادران بستری بیمارستان ولی عصر (عج) بیرجند، نگارنده: زهرا موذنی و دیگران، ۱۳۹۳، هدف از این مقاله، بررسی رابطه بین توکل به خداوند و خودکارآمدی با اضطراب در مادران بستری بیمارستان ولی عصر (عج) بیرجند انجام شد. در مقاله: فرزندآوری از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیه السلام)، نگارنده: بتول محمدی، ۱۴۰۱، مسئله فرزندآوری و اهتمام به نسل یکی از مهم ترین زوایای زندگی بشر بوده است و از همین رو خداوند میل و حب به فرزند را در ذات او نهادینه کرده و در همه ادیان الهی، انسان را به تبع فطرت او به داشتن فرزند ترغیب نموده است. این تحقیقات، بیش از هر چیز به گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سلامت مادران برای جلوگیری از اضطراب و استرس تاکید نموده است. ولی در این مقاله حاضر سعی بر آن شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم کلیدی پژوهش، فرزندآوری، توکل، تکثیر نسل، پرداخته شود و در پایان به رابطه اصل توکل و فرزندآوری پرداخته شده است. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالاتی هستیم که بیانگر و روشن کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- به رابطه اصل توکل و فرزندآوری چیست؟

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم فرزند آوری

این واژه به عنوان اصلی ترین و پرکاربردترین کلمه تحقیق قرار گرفته است که معادل عربی آن «توالد» است. چنانچه فرزند معادل «ولد» دانسته شود، فرزند آوری معادل «توالد» گرفته می‌شود. کاربرد لغت «توالد» بیشتر به به دنیا آمدن فرزند دلالت دارد و مطلق تولید نسل را در برمی‌گیرد که به لحاظ تحت اللفظی نزدیک ترین لغت عرب به «فرزند آوری» است؛ اما منظور از فرزند آوری در این پژوهش مجموع اقداماتی که در یک روند منجر به تولید نسل می‌شود، است. اما چنانچه از واژه «توالد» چنین مفهومی انتزاع شود، معادل عینی فرزند آوری خواهد بود،^۱ از آنجا که نتیجه این روند ایجاد فرزند است، یکی از محوری ترین مبحث در آن بحث فرزند است و با توجه به اینکه ابعاد کمی و کیفی در این پژوهش مدنظر است؛ با تکرار این روند بر تعدد فرزند افزوده شده و با اهتمام به ارتقاء ابعاد معنوی این روند، رشد کیفی روحی و جسمی فرزند افزایش خواهد یافت.

۱-۲- مفهوم توکل

توکل از ریشه «و-ک-ل» در صورتی که با حرف «لام» به کار رود، به معنای ولایت پذیری و چنانچه با «علی» استعمال شود، به معنای اظهار عجز و اعتماد به غیر و در قرآن به همین معنای اخیر است.^۲ به گفته برخی اعتماد به غیر و سپردن امر خود به دیگری، دو قیدی است که در ریشه یاد شده باید در نظر گرفته شود و در توکل به لحاظ وزن تفعل، گونه ای مطاوعه (موافقت و پذیرش) و اختیار هست که گویا انسان با اختیار خود فردی را وکیل بر می‌گزیند تا به کارهایش سامان بخشد.^۳

۱-۳- توکل در اصطلاح

در اصطلاح و اختصاصاً وقتی «دیگری» خدا باشد، اطمینان به خدا و یأس از مردم و تسلیم خدا بودن و تنها به او اعتماد کردن است.^۴

^۱ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۴۳-۳۲۸، ۱۴۳۰.

^۲ راغب اصفهانی، محمد، مفردات، ص ۸۸۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۳۵.

^۳ مصطفوی، حسن، التحقیق، ج ۱۳، ص ۱۹۳.

^۴ بستانی، بطرس، محیط المحيط، قاموس مطول للغه العربیه، ۱۹۸۷.

بر این اساس، متوکل کسی است که می‌داند خدا رزق و امر او را کفالت می‌کند و از این رو فقط به او متکی است و امید به غیر او ندارد.^۱

۲ - توکل در قرآن و تفاسیر

مصدر توکل در قرآن نیامده، اما مشتقات و واژه‌های هم ریشه با آن هفتاد بار، مرتبط با مضامین گوناگون، به کار رفته است. نسبت میان توکل و ایمان را می‌توان مهمترین مضمونی دانست که در قرآن درباره توکل آمده است. تکرار عبارت «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» در سوره‌های متعدد قرآن^۲ حاکی از اهمیت این نسبت است. گذشته از این عبارت، که بصراحت توکل را لازمه ایمان می‌شمارد، آیات متعدد دیگری نیز بر این مطلب دلالت دارد و از ایمان و توکل در کنار هم سخن می‌گوید.^۳ در قرآن توکل و تقوا در کنار هم به کار رفته است^۴ و از صبر نیز همراه با توکل یاد شده است.^۵ بر این اساس، توجه به مفاهیم ایمان و تقوا و صبر در درک عمیق‌تر مفهوم قرآنی توکل اهمیت دارد. در تفسیر آیات مرتبط با توکل، مفسران معانی چندی برای توکل ذکر کرده و مطالبی در شرح آن آورده اند.

همان طور که در تفسیر طبری در امور به خدا اعتماد کردن، امر خود را به او واگذاردن و به قضای او راضی بودن و منقاد و تسلیم او بودن را در معنای توکل آورده است. شیخ طوسی توکل به خداوند را تفویض امر به او بر اساس اطمینان به حسن تدبیرش، تسلیم بودن به امر خدا همراه با اطمینان و رضایت، اعتماد به تفضل خدا و حسن تدبیر او معنی می‌کند و در جایی آن را با اطاعت از اوامر خدا پیوند می‌دهد. او توکل را از صفات مؤمنان می‌شمارد. و در موضعی آن را واجب می‌انگارد.^۶

به گفته زمخشری توکل، به معنای امور را فقط به خدا تفویض کردن و فقط از او ترسیدن و به او امید داشتن است.^۷

و شرط آن، سالم و خالص کردن نفس برای خداست. طبرسی توکل را تفویض امور به خدا، خرسندی از تقدیر او، و اعتماد به او و حسن تدبیرش، تسلیم امر خدا بودن و به فعل و حکمش رضایت دادن و اسناد امور به خدا معنی

^۱ جوهری، اسماعیل، الصحاح فی اللغة و العلوم، ۱۹۷۴.

^۲ آل عمران، ۱۲۲.

^۳ ملک، ۲۹.

^۴ طلاق، ۲.

^۵ نحل، ۴۲.

^۶ طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۶۸.

^۷ زمخشری، محمود، تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۱۹۶.

کرده و حقیقت توکل را تمسک به طاعت خدا و ترک معصیت او دانسته است. به نظر فخررازی، توکل به خداوند آخرین درجه سیر الی الله است و عبارت است از تسلیم بودن به امر خدا و اعتماد کردن به فضل او، تفویض همه امور به خدا و اعتماد به او در همه احوال می‌باشد.^۱

او در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌گوید که امر به مشاوره با امر به توکل منافاتی ندارد؛ توکل آن است که انسان اسباب ظاهری را رعایت کند، اما قلباً به این اسباب تکیه نکند و تنها به ریسمان حق چنگ زند.^۲ او در تفسیر عبارت «و علی الله فلیتوکل المؤمنون» هم می‌گوید که مؤمنان همواره مطیع خدایند و در اقامه طاعات الهی از هیچ کس نمی‌ترسند.^۳

به نظر رشیدرضا، توکل همراه با رعایت اسباب است و ترک اسباب به بهانه توکل برخاسته از جهل به شرع یا فساد در عقل است. بنا به استدلال او، توکل که امری قلبی است و عمل به اسباب که به واسطه اعضا و جوارح است و انسان به مقتضای فطرت الهی خویش مأمور به انجام دادن آن است — دو امر وجوبی‌اند که میانشان جدایی نیست. طباطبائی توکل را واگذاردن تدبیر خود به خدا، مشیت او را پذیرفتن و او را وکیل خود کردن در تدبیر امور معنی می‌کند و لازمه آن را برتری دادن اراده خدا بر اراده خود و عمل به احکام او می‌داند.

به نظر او نیز توکل به معنای الغای اسباب ظاهری نیست، بلکه سلب اعتماد از این اسباب و اعتماد کردن به خداوند است که همه اسباب به مشیت اوست.^۴

امام خمینی با استناد به آیات الهی و روایات، اهمیت و ثمره توکل را بی‌نیازی و عزت‌نفس می‌شمارد، زیرا وقتی متوکل چشم طمع از مخلوق فرو ببندد و به ذات مقدس حق دل‌بستگی پیدا کند، بی‌نیازی و عزت در دل او جای می‌گیرد.^۵ امام خمینی با توجه به آیه «علی ربهم یتوکلون» یکی از اوصاف مؤمنین را توکل می‌داند که به پروردگار خود اعتماد و توکل می‌کند و کارهای خود را به او واگذار می‌کند.^۶

اعتقاد امام خمینی توکل به یقین منتهی می‌شود و ثمره یقین، توحید افعالی است، یعنی سالک غیر از حق تعالی، مؤثری در عالم نمی‌بیند.^۷ امام خمینی تحقق ثمرات توکل را از نشانه‌های حصول نور توکل می‌داند. امام خمینی

^۱ فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر، ج ۱۷، ص ۱۴۶.

^۲ طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۲.

^۳ همان، ص ۳۱۴.

^۴ طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۹، ص ۱۱۷.

^۵ خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۱۹-۲۲۰.

^۶ همان، ص ۲۱۷-۲۱۹.

^۷ همان، ص ۲۲۳.

دلیل اینکه چرا بعضی از سالکان با وجود علم به ارکان توکل، از علم خود نتیجه عملی نمی‌گیرند را نداشتن ایمان حقیقی می‌داند.^۱

امام خمینی آیه «فاذا عزم فتوکل علی الله» را بالاترین مرتبه توکل می‌داند که برای سالک پس از مقام فنای کلی و رجوع به مملکت خود، بقا بعد از فنا دست می‌دهد. سالک در این مقام درعین حال که در کثرت واقع است، در توحید جمع مستغرق است و درعین حال که تصرفات موجودات را تفصیلاً می‌بیند جز حق تعالی موجودی را متصرف نمی‌بیند.^۲

امام خمینی میان توکل و استفاده از اسباب، ناسازگاری قائل نیست و توکل را تنها ترک اعتماد و توجه به اسباب معرفی می‌کند. امام خمینی توصیه برخی عارفان به ترک اسباب را ناشی از نقصان سالک و جهل او به مقام توحید و توکل می‌داند؛ زیرا حقیقت توحید برگرداندن همه اسباب و تصرفات به حق تعالی است و سالک باید همه این اسباب را از جانب حق بداند و به اسباب ظاهری تکیه نکند و این به معنای ترک عمل نیست.^۳

در تفاسیر عرفانی قرآن به موضوع توکل توجهی خاص شده است، از جمله میبیدی در کشف الاسرار و عدۀ الابرار حقیقت توکل را رضا و تسلیم به قضا و قدر می‌داند و می‌گوید توکل شرط ایمان و نشان یقین و ثمره توحید است.^۴

او برای توکل دو درجه ذکر می‌کند: توکل عام و توکل خاص که از آن راضیان است در بیان السعادة فی مقامات العبادۀ توکل مفهومی نزدیک به مفاهیم تسلیم و تفویض دانسته شده و آمده است که این سه مفهوم به معنای یکدیگر به کار می‌روند و فرق آن‌ها بسیار دقیق است.^۵

۳- دعا برای طلب فرزند

در متون دینی ما، فرزند آوری مبتنی بر دعا و نیایش و طلب از خداوند منان است و بندگان مومن این درخواست را جزء دعا های اساسی خود قرار می‌دهند و برای آن در زندگی خودشان، ارزش و جایگاه خاصی قائل هستند. « وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا. » و آنان هستند که گویند: پروردگارا، ما را زنان و فرزندان رحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند، و ما را (سر خیل پاکان و) پیشوای

^۱همان، ص ۹۵.

^۲همان، ص ۵۹-۹۴.

^۳همان، ص ۲۱۷-۲۱۹.

^۴همان، ص ۲۱۳-۲۱۴.

^۵خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۱۳-۲۱۴.

اهل تقوا قرار ده.^۱ یادآوری : نگاه به فرزند تنها نگاه دنیوی نیست، فرزند صالح هم به درد دنیا می خورد هم آخرت. فرزند در دنیا و آخرت نور چشم است. رهبر انقلاب می فرماید: هر چیزی را از خدا بخواهید؛ حتی بند کفش و کوچک ترین اشیاء و قوت روزانه خود را. بگذارید این من دروغین عظمت یافته در سینه ما - که می گوئیم «من» و خیال می کنیم مجمع نیروها ما هستیم، بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می کند.^۲ در همه ی کارها باید از خداوند درخواست کنیم و تولید فرزند را خیلی خیلی بیشتر از خداوند طلب کنیم. در قرآن کریم، ماجرای درخواست و دعای حضرت زکریا برای داشتن فرزند را چنین شرح می دهد. « وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. وَ زَكَرِيَّا رَا [یاد کن] هنگامی که پروردگار خود را خواند پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگانِ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ.» «پس دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته و آماده حمل کردیم زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند.»^۳ درخواست از خداوند داشته باشید و مطمئن باشید که خداوند بهترین ها را برای شما رقم خواهد زد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ.» «ستایش خدای را که به من در زمان پیری دو فرزند اسماعیل و اسحاق را عطا فرمود و درخواست مرا اجابت کرد، که پروردگار من البته دعای بندگان را شنواست.»^۴ نکته مهم و اساسی که در قرآن کریم وجود دارد، توجه به زاد و ولد انسان های شایسته و مؤمن است؛ به عبارت دیگر آن چه که اهمیت دارد، افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است. اهمیت طلب فرزند بخاطر این است که استمرار انسان است نه فقط اینکه اسم ما را زنده کند، اگر فرزند صالح تربیت کنیم، پرونده عمل ما بسته نمی شود و پس از مرگ ما هم خوبی برای ما می آید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی بیان فرموده است: ایشان می فرماید: «إذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاث: صدقه جاریه، او علم ینتفع به، او ولد صالح یدعو له» «هرگاه انسان بمیرد، عملش هم قطع می شود، مگر از سه راه: صدقه جاریه، یا عملی که از آن سود می برند، یا فرزند شایسته ای که برای او دعا می کند.»^۵ بنابراین فرزند صالح، هم مایه زینت در دنیا و هم باقیات صالحات برای آخرت محسوب می شود البته تربیت فرزند صالح، کار پر مشقت و زمان بر است. «مسئله

^۱ فرقان، ۷۴.

^۲ خامنه ای، علی، بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۷۳.

^۳ انبیاء، ۸۹-۹۰.

^۴ ابراهیم، ۳۹.

^۵ حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۱۳، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۲.

جمعیت را جدی بگیرید، جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می کند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست؛ یعنی مسئله جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می کنیم؛ نه، اگر چند سال بگذرد، وقتی نسل ها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست.»^۱

خانواده ها و جوان ها باید تولید مثل را زیاد کنند، باید نسل را افزایش دهند. این محدود کردن تعداد فرزندان در خانه ها، به این شکلی که امروز هست، اشتباه است. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ده سال آینده، بیست سال آینده و در دوره ها و مرحله های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را این ها حل می کنند.^۲

۴- امر به فرزند آوری در قرآن

در قرآن کریم همانند روایات به صورت کاملا روشن و صریح، امر به فرزند آوری نشده است و بدون در نظر گرفتن روایات و تفاسیر روایی نمی توان موضع دقیق قرآن را پیرامون تولید نسل بیان نمود. در تقسیم بندی آیات مواضع متفاوتی به چشم می خورد که هر کدام از آنها در شرایط خاص خود، مورد بحث می باشند. بنابراین در مجموع با در نظر گرفتن روایات و تفاسیر روایی، آیاتی که سفارش بر تولید نسل دارد و آن را امری مطلوب تلقی می کند، بررسی شده و آیاتی که مفاهیم به ظاهر متعارض دارند. قرآن کریم برای اشاره به فرزند و نسل انسان الفاظی همچون اوالد، غالم، ولد، ذریه، بنون، بنین و... را بیان نموده و در خلال اوامر و نواهی، شرح سرگذشت انبیاء، مثال ها و تفصیل برخی دیدگاه های خود اشاره به انسان و تولید نسل او داشته است؛ باین حال تنها آیه ای که فرزند آوری را امری مطلوب تلقی نموده و با فعل امر به آن اشاره نموده است، در این آیه آمده است که مستقیماً و با فعل امر، توصیه به فرزند آوری نموده و می فرماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ اِنِّي شِئْتُمْ وَقَدِمُوا لِنَفْسِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَعَلَمُوا اَنَّكُمْ لَمُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۳ «زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، میتوانید با آنها آمیزش کنید و اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید و از خدا بپرهیزید و بدانید او را مالقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارتده. این آیه زنان را به کشتزار و فرزندان را به محصول و نتیجه زراعت انسان تشبیه نموده است.» خداوند در این آیه از زن با عنوان حرت تعبیر نموده که معمولاً حرت به کشت زاری گفته می شود که محصولی از آن عاید انسان می شود.^۴

^۱ خامنه ای، علی، بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲.

^۲ همان، بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱.

^۳ بقره، ۲۲۳.

^۴ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۱۷، ۱۴۳۰.

بنابراین از این جهت زن را حرث قلمداد نموده تا غیر از بیان تلذذ جنسی از همسر اشاره به کشتزار بودن او و اهمیت کشت او که فرزند است داشته باشد و تأکید نماید که زن وسیله اطفاء شهوت و هوس رانی مردان نیست، بلکه وسیله ای برای حفظ حیات نوع انسان است. هم چنان که در ادامه آیه عبارت «قَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» این احتمال را تقویت می‌نماید.

برخی از مفسرین و فقها از این آیه، این چنین استدلال کرده اند که عمل جنسی باید جنبه تلقیح و تولید داشته باشد^۱ و عبارت «قَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» تأکید بر طلب فرزند، ایجاد و پرورش نسل صالح دارد و اینکه نباید عمل جنسی متوقف بر التذاذ حیوانی و جنبه شهوانی باشد. صاحب نظران عبارت «قَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» را به امر تولید نسل و توصیه قرآن به ابتر نگذاشتن عمل جنسی تعبیر کرده و هدف از ازدواج و ارتباط زناشویی را ایجاد فرزند بیان داشته اند. چنان که عالمه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده اند: مراد از «قَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» واداشتن انسان ها به تولد و تناسل است تا نوع انسان در زمین باقی بماند،^۲

ابوالفتح رازی نیز نوشته است: گفته اند مراد طلب فرزند است، بر این اساس می‌توان گفت: «سَأَوْكُم حَرْثٌ لَّكُمْ» که جمله خبری و وصفی است، چنان چه با عبارت «قَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» جمع شود، می‌تواند حاکی از انشاء باشد و از آن نوعی دستور برداشته شود که عبارت امری دوم مکمل معنایی آن است و پیام اساسی آن هم متوجه زنان به عنوان محترث و مردان به عنوان حارث است که بکوشید تا از کشت زار خود به خوبی بهره مند شوید و فرزندان صالح حاصل نمایید.

۵- امر به فرزند آوری در روایات

دو دسته از روایات در منابع روایی نقل شده است که نسبت به سایر روایات نسبت به مقوله تولید نسل صراحت بیشتری در امر دارند.

۱- امر مستقیم به فرزند آوری

دسته اول روایاتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر مباحثات ایشان به فرزندان امت اسلام در قیامت، با الفاظ و سیاقه ای گوناگون وارد شده است که مضمون کلی آنها به یک غایت نهایی اشاره دارد و آن تحریض پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به افراد امتش نسبت به ازدیاد نسل است و آن را مایه مباحثات خویشتن می‌داند. اختلاف

^۱ حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۲۸، ۱۳۶۰.

^۲ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۲، ص ۲۱۴، ۱۴۱۷.

سیاق روایت ها، الفاظ و روایات متعدد احادیث حاکی از آن است که پیامبر اکرم (ص)، در شرایط گوناگون و مخاطبان متعدد این مهم را به مسلمانان گوشزد نموده است. بنابراین سیاق و مفاد حاصل از مضمون دور می‌نماید که اختصاص به زمان خاصی داشته باشند،^۱ همچنین نقل این روایات توسط ائمه اطهار (علیه السلام) از سخن پیامبر (ص) بر درجات اعتبار و اهمیت امر می‌افزاید. منابع معتبر شیعه که با تفاوت الفاظ این حدیث را نقل کرده اند عبارت اند از: کافی^۲ بحارالانوار^۳ وسائل الشیعه^۴ نهج الفصاحه^۵ دعائم السلام^۶ وافی^۷ التوحید^۸ و نیز در کتب عامه از جمله سنن ابن ماجه^۹ سنن ابو داود^{۱۰} و سنن ترمذی^{۱۱} وارد شده است. روایت مبنی بر آن است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «تَنَاقَحُوا تَنَاسُوا تَكْتَرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ أَلَمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ.»^{۱۲} همچنین اهل بیت پیامبر (علیه السلام) نیز در اعصار بعد به نقل این روایت از پیامبر (ص) اهتمام ورزیده و هم مانند دیگر سنت های پیامبر (ص) سعی در زنده نگاه داشتن آن داشته اند. از جمله امام صادق (علیه السلام)^{۱۳} که در منابع حدیثی این حدیث را از پیامبر (ص) به جهت اهمیت موضوع و تأکید بر آن نقل فرموده اند. در کتب اهل سنت نیز با تفاوت روایات این روایت نقل شده که از جمله آن می‌توان به سنن ابن ماجه، ابو داود و ترمذی اشاره نمود. چنان که وجود روایات واحد در کتب معتبر شیعه و اهل سنت و توجه به هدفی واحد در هر دو مذهب و انتساب آن به رسول خدا (ص) بر حجیت و اعتبار روایات می‌افزاید، روایات مباهات پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تکرر نسل نیز از این امتیاز نیز برخوردار است و اذعان دیگر مذاهب به صحت این روایات، توثیق آن را تقویت می‌کند.

^۱ حسینی طهرانی، محمد حسین، رساله نکاحیه، ص ۲۷۸، ۱۴۳۵.

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۲، ۱۴۰۷.

^۳ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۹۳، ۱۴۰۳ ق.

^۴ حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۹، ۱۴۰۹ ق.

^۵ پاینده، حسن، نهج الفصاحه، ص ۴۸۳، بی تا.

^۶ ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۷، ۱۳۸۵ ق.

^۷ فیض کاشانی، محمد محسن، مفاتیح الشرایع، ج ۲۱، ص ۴۷، ۱۴۰۶ ق.

^۸ ابن بابویه، محمد، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۹۵، ۱۳۹۸ ق.

^۹ قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵۵، ۱۴۱۰ ق.

^{۱۰} سجستانی، سلیمان، سنن ابو داود، ج ۱، ص ۴۵۵، ۱۴۱۰ ق.

^{۱۱} ترمذی، ابو عیسی، سنن ترمذی، ج ۱، ص ۵، ۱۴۰۳ ق.

^{۱۲} مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۶۹، ۱۴۰۳ ق؛ ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۳، ۱۳۸۵ ق.

^{۱۳} حرعاملی، محمد، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۵۸، ۱۴۰۹ ق.

۶- رابطه اصل توکل و فرزندآوری

داشتن فرزند از مواهب بزرگ و نیاز فطری و غریزی انسان است که موجب آرامش، استحکام و بقاء خانواده می‌باشد و اسلام هم به آوردن آن توصیه می‌کند. اما زمان و چگونگی اعطاء آن براساس علم و حکمت خداوند است، یکی از حکمت‌های تأخیر در اعطاء این موهبت این است که بنده به واسطه دعا و درخواست از خداوند به او تقرب بیشتری پیدا می‌کند. قرآن به استجاب دعای حضرت زکریا و حضرت ابراهیم اشاره می‌کند: «و زکریا اذ نادى رَبَّهُ رَبِّ لا تذرني فردا و انت خير الوارثين فاستجبنا له و وهبنا له يحيى و اصلحنا له زوجه انهم كانوا يسارعون فى الخيرات و يدعوننا رغبا و رهبا و كانوا لنا خاشعين»^۱؛ «و زکریا را هنگامی که پروردگار خود را خواند: پروردگارا مرا تنها بی فرزند مگذار و تو بهترین وارثانی. پس دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و نازایی [همسرش را برای او اصلاح کردیم به راستی آنها را در کارهای نیک پیش قدم بودند و ما را از روی امید و بیم می‌خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند و البته آزمایشی است برای بندگان خدا که آیا از رحمت خداوند مأیوس می‌شوند یا به او توکل و اعتماد دارند.» «و يدعوننا رغبا و رهبا و كانوا لنا خاشعين»^۲ «و با بیم و امید ما را می‌خواندند و در برابر ما خاشع بودند.» و تأکید بر این نکته که فرزنددار شدن به امر و اراده خداوند است و نه فقط خواست و اراده انسان یعنی اگر خواست خداوند بر اعطاء آن باشد مسلماً بر خواست بنده غالب خواهد شد و مسلماً از خواست او هیچ مفرّ و گریزی وجود ندارد. «وکان امرنا مقضیا» «واین امری حتمی است» «فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا»؛ «آنگاه درد زایمان او حضرت مریم را بسوی تنه نخلی کشاند. گفت: ای کاش پیش از این مرده و یکسره فراموش شده بودم.»^۳ «پس به ناگاه فرزندش از زیر پای او، وی را ندا داد که اندوه مخور، همانا خداوند در زیر پایت جویی روان قرار داده است.»^۴ و این گونه خداوند به او آرامش داد. همانطور که می‌دانیم خداوند متعال در این سوره: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْءًا كَبِيرًا»^۵؛ «و از بیم تنگدستی فرزندان خود را نکشید. ما هستیم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است.» به مسلمانان که از ترس فقر؛ فرزندان خود را زنده به گور می‌کردند، می‌فرماید: «نترسید چرا که ما هم به شما و هم به آنان روزی می‌دهیم.»

۱ انبیاء، ۸۹-۹۰.

۲ مریم، ۲.

۳ انبیاء، ۹۰.

۴ مریم، ۲۴.

۵ اسراء، ۳.

همانطور که در آیه ی شریفه نیز به صراحت بیان شده است، مشکل اصلی افراد در این زمینه، خلاصه در عدم اعتماد به خدا و صفت رزاقیت اوست. گویی انسان خود را در تلاش رسیدن به رزق و روزی از خداوند تأثیرگذارتر می داند و خدا را نعوذبالله در این میان هیچ کاره و یا به طور عنصری دومی در نظر دارد.

لازم است از چنین شخصی اینگونه سوال کنیم که: چه کسی تو را در شکم مادر روزی رساند و چه کسی در بدو تولد روزی تو را در سینه ی مادر جاری ساخت: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.»^۱؛ «بگو: کیست که شما را از آسمان و زمین رزق می دهد.»

فردی که توکل می کند بر ازدیاد نسل، چون می داند خدا، ضامن روزی است.

بکر بن صالح می گوید: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مِنْذُ خَمْسِ سِنِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَقَالَتْ إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَتُهُمْ لِقَلَّةِ الشَّيْءِ فَمَا تَرَى فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيَّ اطَّلَبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْزُقُهُمْ.»^۲؛ «در نامه ای به امام کاظم علیه السلام نوشتم پنج سال است که از بچه دار شدن خودداری می کنم و خانمم بچه دار شدن را ناپسند می شمارد و می گوید: تربیت او به سبب فقر، دشوار است. نظر شما چیست؟ حضرت علیه السلام برای من نوشت: فرزند بیاورید که روزی او با خداوند است.»

مرحوم آیت الله بهجت (رحمه الله علیه) می فرمایند: «هیچ کودکی نگران وعده بعدی غذایش نیست؛ زیرا به مهربانی مادرش ایمان دارد؛ ای کاش ما هم مثل او به خدا ایمان داشتیم.»

برخی از ما مسلمانان به وعده ی پدر و مادر و یا حتی یک شخص غیر مسلمان مبنی بر کمک مالی و رفع حوائج مادی؛ خیلی بیشتر از آنچه که باید به خدا اعتماد داشته باشیم، اهتمام داریم؛ و گاه فقط به جهت یک وعده ی لفظی از شخص عاجز و ضعیفی چون خودمان، حاضر به ورود در مساله ی ازدواج و یا تولید نسل و از این قبیل تصمیمات مهم مالی می شویم و حال آنکه سخن خدای متعال را که بارها به ما این مساله را تذکر داده فراموش می کنیم؛ که او است روزی دهنده و باید بر او توکل نمود.

گاهی انسان در این وهله، از کودک و نوزادی کمتر و ناچیزتر است؛ چرا که کودک و نوزاد هیچ گاه نگران وعده ی بعدی غذایش نیست؛ چرا که به مهربانی مادرش ایمان کامل دارد؛ ولی همین که به مرحله ی رشد و نمو رسید دیگر چنین اعتمادی به خدای خویش ندارد.

^۱ یونس، ۳۱.

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۳.

برخی از ما مسلمانان به وعده ی پدر و مادر و یا حتی یک شخص غیر مسلمان مبنی بر کمک مالی و رفع حوائج مادی؛ خیلی بیشتر از آنچه که باید به خدا اعتماد داشته باشیم، اهتمام داریم؛ و گاه فقط به جهت یک وعده ی لفظی از شخص عاجز و ضعیفی چون خودمان، حاضر به ورود در مسأله ی ازدواج و یا تولید نسل و از این قبیل تصمیمات مهم مالی می شویم و حال آنکه سخن خدای متعال را که بارها به ما این مسأله را تذکر داده فراموش می کنیم؛ که اوست روزی دهنده: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛ «و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزیش بر عهده خدا است.»^۱ و باید بر او توکل نمود.

مادرانی که به فرزندآوری اقدام می کنند اعتماد و توکل دارند چون می دانند محبوبترین مخلوق نزد خدا هستند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اینباره فرمودند: «وَلَمَوْلُودٌ فِي أُمَّتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ.»^۲؛ «همانا یک نوزاد متولد شده در امتم، از آنچه خورشید بر آن می تابد، نزد من محبوب تر است.» و مادرانی که به فرزند می آورند چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ازدیاد نسل افتخار می کند.

و در جای دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ»^۳؛ «ازدواج و تولید نسل کنید و زیاد شوید که من در روز قیامت به شما مباهات می کنم؛ حتی به طفلی که سقط شده باشد.»

در این سوره می خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»^۴؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! به خداوند و پیامبرش و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و کتابی که پیشتر فرستاده است، به همه ی آنها ایمان واقعی بیاورید و هر کس به خدا و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران و روز قیامت کفر ورزد پس همانا گمراه شده است، گمراهی دور و درازی.»^۵ «ای مسلمانان و ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، به خدا ایمان بیاورید؛ یعنی ای کسانی که به کلیات دین اسلام ایمان آورده اید؛ حال باید به تک تک جزئیات این دین نیز ایمان بیاورید و ایمان خود را به درجه ی کمال و رشد برسانید.»

^۱ هود، ۶.

^۲ طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

^۳ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۵۳.

^۴ نساء، ۱۳۶.

اگرچه بسیاری از افراد به وعده ی فقر از جانب شیطان: «الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يُعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱؛ «شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد و خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست.» گوش فرا داده اند، ولی برخی نیز با توکل به خدا و سعی و تلاش در راه صحیح قدم گذاشته اند.

فردی که به فرزندآوری اقدام می‌کند، اعتماد و توکل دارد که عمل نیک فرزند، باعث آمرزش پدر است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَرَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبِهِ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَا يُعَذَّبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ يُعَذَّبُ وَمَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقًا وَ آوَى يَتِيمًا فَلِهَذَا غُفِرَتْ لَهُ بِمَا فَعَلَ ابْنُهُ.»^۲؛ «حضرت عیسی علیه السلام از کنار قبری عبور می‌کرد، دید صاحب قبر عذاب می‌شود. سال بعد که عبور کرد، دید عذاب برداشته شده است. حضرت علت آن را از خدا سؤال کردند. آن گاه خداوند به او وحی فرمود که صاحب این قبر، فرزند شایسته ای داشت که در این سال به حد بلوغ رسیده و جاده ای را درست کرده و نیز یتیمی را پناه داده است و من به سبب عمل نیک این فرزند، پدرش را آمرزیدم.»

حاصل سخن اینکه برای تحقق شعار ازدیاد نسل، باید در درجه ی اول ایمان و توکل افراد به خدای متعال قوی و مستحکم گردد؛ و در گام بعد مسئولین به وظایف خود، مبنی بر ارائه ی تسهیلات لازم عمل نمایند.

^۱ بقره، ۲۶۸.

^۲ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۳-۴.

نتیجه گیری

از سوی دیگر نحوه ی دست یابی و به دست آوردن فرزند و به بیان دیگر روش های متعدد و متنوع فرزند آوری از دیگر مباحث مهم در این زمینه بوده و دین اسلام در جهت ارزیابی کیفی این روش ها به بیان دیدگاه های خود پرداخته و در صورت اتخاذ هر روش، توصیه هایی در جهت چگونگی آن به صورت مستقیم در مبانی قرآن و یا انتزاع احکام از روایات در مسائل مستحدثه پرداخته است. دین اسلام همانند ادیان الهی، میل به فرزند آوری را در انسان تقویت نموده و آن را مطابق با ذات و فطرت انسان با رابطه توکل به او می داند. در این صورت، آیات و روایاتی در این زمینه حاکی از بیان محاسن و توجه به لوازم آن بوده و باتوجه به مقام خلیفه الهی انسان به چرخه انسان سازی نوعی تقدس بخشیده است که همه این موارد دلیلی بر اهمیت تولید نسل انسان است. بر این اساس فرزند آوری در نفس انسان ارزشمند بوده و اهتمام به آن در رابطه توکل خدا همواره مورد تأکید دین اسلام است. آن چه حائز اهمیت است، آماده سازی زیرساخت ها و زمینه های مساعد در جهت پرجمعیت نمودن جامعه کارآمد و خودکفا است. بر همین اساس باید کیفیت و تربیت انسانی فرزندان موردتوجه قرار گیرد تا با ورود انسان های متعالی و رشد یافته به جامعه، اهداف تکثیر نسل و ازدیاد نفوس تحقق یابد. اما از آن جایی که سیر فرزند آوری منتج به تولد انسان می شود، می بایست در جهت ارتقاء کیفی فرزندان، زمینه استعدادهای بالقوه مطلوب را با در نظر گرفتن اوامر الهی و معنوی بخشیدن به مراحل این راه، با توکل به خداوند تقویت نمود تا گامی مؤثر در جهت آماده سازی فرزندان برای تربیت مطلوب و رشد و شکوفایی دینی برداشته شود.

منابع

*قرآن کریم

- ۱- آیت الهی، زهرا و همکاران، دانش خانواده و جمعیت، نشر: دفتر نشر معارف، چاپ: سی و دوم، ۱۳۹۷.
- ۲- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تحقیق: فیضی، موسسه آل البيت (ع)، ۱۳۸۵ ق.
- ۳- ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغه. دارالعلم للملای، چاپ: اول، ۱۹۹۸.
- ۴- ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، نشر: اندیشه مولانا، چاپ: اول، ۱۳۹۲.
- ۵- بیضاوی، ناصرالدین، تفسیر بیضاوی، ج ۱، نشر: موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، چاپ: اول، ۱۳۹۰.
- ۶- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۷- ترمذی، ابو عیسی، سنن ترمذی. تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف. دارالفکر والنشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق: موسسه آل البيت (علیه السلام)، موسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
- ۹- خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، نشر: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین، المفردات الفاظ قرآن، ناشر: دارالشامیه، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۱- زمخشری، محمود، تفسیر کشاف، ج ۲، نشر: ققنوس، چاپ: دوم، ۱۳۹۱.
- ۱۲- سجستانی، سلیمان بن اشعت، سنن ابدی داود، تحقیق: سعید حمد اللحام، دارالکفر و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۳- ساروخانی، باقر، طلاق، نشر: موسسه چاپ و نشرات دانشگاه تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۷.
- ۱۴- صدوق، محمد، من لایحظره الفقیه، ج ۳، نشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
- ۱۵- طهرانی، محمد حسین، کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، نشر: علامه طباطبایی، ۱۳۸۹.
- ۱۶- طباطبایی، محمدحسین، المیزان. دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۷- طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ج ۱، نشر: مومنین، چاپ: سوم، ۱۳۹۰.
- ۱۸- طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، نشر: دفتر انتشارات سلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: اول، ۱۳۸۹.

- ۱۹- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲۰- طبرسی، حسین، **مستدرک الوسائل**، نشر: آل البيت، چاپ: اول، ۱۳۶۹.
- ۲۱- فیض کاشانی، محمد محسن، **مفاتیح الشرایع**، انتشارات: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۲- فرزندانآوری در کلام مقام معظم رهبری، انتشارات ایام ۱۳۹۷، ش ۱۷۳.
- ۲۳- فخر رازی، محمد، **التفسیر الکبیر**، ج ۱۷، نشر: دارالکفر، بیروت، ۱۳۶۰.
- ۲۴- قمی، عباس، **منهی الامال**، نقش نگین، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۵- قزوینی، محمد بن یزید، **سنن ابن ماجه**، ج ۱، نشر: دارالحیاه الکتب العربیه، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۶- قدسی، محمد و دیگران، **بازدارنده ها و تسهیل کننده های اقتصادی و اجتماعی طلاق**، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۳، ۱۳۹۰.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**. مصحح: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۸- کیانی، رضا، «**بررسی مفهوم باروری از دیدگاه قرآن کریم**»، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۳.
- ۲۹- مجلسی، محمدتقی، **روضه المتقین فی شرح من لایحضر الفقیه**، ۱۴۰۶ ق.
- ۳۰- _____، **بحار الانوار**، موسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
- ۳۱- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، دارالکتب السلامیه، بیروت، ۱۴۳۰.
- ۳۲- محدث نوری، حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، موسسه آل البيت (علیه السلام)، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- ۳۳- محمدی، بتول، **فرزندانآوری از دیدگاه قرآن و ائمه اهل بیت (ع)**، کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره: ۲، شماره: ۴، ۱۴۰۱.
- ۳۴- مصباح یزدی، محمد تقی، «**اخلاق و عرفان**»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۲۵.

سایت

Khameni.ir-۱